

## از ژنیو «تا» لندن

پنجشنبه بیست و هشتم ماه جنوری ۲۰۱۰ میلادی کنفرانس بزرگی در لندن پایتخت برتانیه کبیر در مورد افغانستان تدویر یافت. جلسه آنقدر که قبل از تدویرش سر و صدا داشت، بعد از پایانش کمتر در محراق توجه میدیا قرار گرفت. از جانبی هم تبصره های مطبوعات داخلی و خارجی در همه موارد، چندان همخوانی نداشتند. دیدگاههای موافق، مخالف و بعضاً هم متضاد را شاهد بودیم. این قلم به نشست یکروزه لندن و فیصله هایش از دید دیگری نگریسته، با پیشکش کردن پرسشهای ذیر، دیدگاهش را با شما شریک میسازد.

کنفرانس لندن تکرار تشابهات تاریخی است، یا هم تکرار تاریخ؟  
آیا طرحهای لندن (۲۰۱۰ - م) با فیصله های بیست و دو سال قبل ژنیوا (۱۹۸۸ - م) یکسان نیست؟  
و به همین ترتیب، است ها و نیست های دیگر.

قبل از ورود به موضوع، سطری از نوشته های منتشره در روز نامه وزین هشت صبح (۳۰/جنوری/۲۰۱۰) در مورد این کنفرانس بین المللی را می آورم:

(کنفرانس لندن از نظر بسیاری ها چیزی نبود، جز «لویه جرگه لندن» برای صلح با طالبان). اگر از مقایسه سازمان دهندگان، تمویل کنندگان و اشتراک کنندگان «لویه جرگه لندن» با لویه جرگه های عنعنوی افغانستان که به دعوت، سازمان دهی و تمویل مالی-پولی دولت افغانستان و در حالات ضروری تدویر میگردد و در آنها ریش سفید و ریش سیاه، عالم و عامی، بیسواد و با سواد، راست و چپ، شیعه و سنی، هندو و مسلمان و... اشتراک مینمود، و این دومی که به پیشنهاد، تمویل و سازماندهی ارگانهای معین استخباراتی ذینفع در مسایل افغانستان و به اشتراک تعدادی از سران سیاسی، دیپلماتیکی و...، آنها غرض تحقق اهداف از قبل تعیین شده دایر گردیده بود، صرف نظر گردد، این نامگذاری روز نامه هشت صبح «لویه جرگه لندن» خیلی دقیق و به جا است.

من بیانیه افتتاحیه آقای گوردن براون نخست وزیر برتانیه کبیر، که مطالب عمده اش را: وعده پرداخت پول، آموزش و تربیه سریعتر نیروهای نظامی افغانستان (اردو، پولیس و امنیت ملی) حمایت مادی و معنوی از دولت افغانستان در راه مبارزه! با فساد اداری و مواد مخدر، تخصیص یک وجه هنگفت بخاطر انجام کمکهای پولی-شغلی برای آنده از طالبانیکه سلاح بر زمین گذاشته و بدولت می پیوندند، و... تشکیل میداد، استماع نمودم. چیزیکه در بیانیه اش بیشتر طرف توجه ام قرار گرفت عبارت بود: (موضوع تامین امنیت، آموزش سریعتر و تسلیح نیروهای نظامی افغانستان غرض خود کفا شدن آنها بخاطر تحویلدهی مرحله ای قرا، قصابات، محلات، ولسوالیها، شهر ها، ولایات و با لآخره در کل تمام افغانستان به این نیروها، تا زمینه خروج نظامیان خارجی مقیم آنکشور مساعد گردد.)

این کلمات خاطر ۲۲ سال قبل ژنیو را تداعی میکرد. بدون شک و اقعیت این است که هیچ طرح مشخصی در کنفرانس لندن به تصویب نرسید و دست آورد معین به جز از رسانیدن صدای هیاهوی طالب جان قره قلی مینی بر مذاکره با «برادران» و «سربازان» اش به گوش مردمان کشورهاییکه حکومت شان به افغانستان پول و جوانان شان خون میدهند، از طریق تربیون کنفرانس لندن و با گویندگی آقای گوردن براون، چیزی دیگری نبود.

فکر نمیشود ختم جنگ و تامین صلح دایمی مطمع نظر غربی ها باشد. هدف این تلاشها، چیزی جز تحقق بر نامه های از قبل معین شده ای منابع استخباراتی کشورهای ذیمنافع دور و نزدیک، مبنی بر طالبانی ساختن بار دیگر افغانستان و خروج «در اصل فرار» ازین کشور خواهد بود.

بیانیه آقای براون، خاطره صحبت های آقای انوار شایوانادزه، آخرین وزیر خارجه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سابق (بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، مدتها رئیس جمهور جمهوری تازه تاسیس شده گرجستان) در کنفرانس ژنیو به ارتباط افغانستان که منجر به امضای توافقنامه گردید، و در تاریخ کشورما به «توافقات ژنیو» مشهور گردید، در اذهان زنده ساخت.

### فشرده تشابهات این دو جلسه:

از آنجائیکه هدف پنهانی، اما واقعی اداره میخائیل گرباچف را انتقال کامل قدرت به گروه های مسلح جهادی تشکیل میداد، و از جانب دیگر جداً در تلاش پیدا کردن راه بیرون کشیدن نظامیان از افغانستان بود، به همین دلیل بخاطر به نتیجه رسیدن جلسات میکشیدند. آقای شایوانادزه در جلسه ژنیو اظهار داشت: ۰۰۰ نیروهای نظامی افغانستان را با تسلیحات مدرن تسلیح و با حمایت های پولی-لوژیستیکی، آماده آن میسازیم تا در عدم موجودیت ما بتوانند به تنهایی از کشورشان در مبارزه علیه شورشیان ضد دولتی، دفاع نمایند. ما بشکل مرحله به مرحله تمام قرارگاه ها و

گارتیزبونیهای خویش در قرا و قصبات، ولسوالیها و ولایات را به آنها تحویل میدهیم، تا زمینه خروج مرحله ای نیروهای نظامی ما طبق پلان، آماده گردد.

دوم: قبل از تدویر جلسات ژنیو نماینده خاص سازمان ملل متحد در امور افغانستان، ملاقاتها، دید و بازدیدها و گفتگو های محرمانه با سران تنظیم های مسلح جهادی که بر ضد دولت طرفدار شوروی بودند، انجام داد که بخشهای از آن گفتگو ها تا امروز همانطور مسکوت مانده است.

سوم: تعدادی از سران تنظیم ها به مسکو دعوت شده و با سران ملکی، نظامی و استخباراتی شوروی متوفی، ملاقات های علنی و مخفی متعددی انجام دادند، که بخشهایی از آن تا کنون افشا نشده است. اما آنچه مسلم است، آنست که بعد از آن سفر، تمام انواع کمکهای غذایی، نظامی و لوژیستیکی به رژیم طرفدار شوروی، یکسره قطع گردید که در تسریع پروسه سقوط رژیم، تاثیر مرگبار برجا گذاشت.

فکر نمیشود کنفرانس لندن، تکرار همان سریال (۲۲) سال قبل ژنیو نیست؟ طوریکه در فوق تذکار رفت، سخنرانی براون و شیوارنازه که در ظاهر کمک و همکاری با رژیم حاکم کابل مطرح شده بود، یکسانند.

چهارم: در کنفرانس لندن، دقیق بیست روز قبل از تدویر کنفرانس، نماینده خاص سازمان ملل متحد در امور افغانستان به کاری دست زد که سلفش قبل از جلسات ژنیو زده بود. روز نامه برتانیوی گاردین به نقل از مقامهای ارشد سازمان ملل متحد افشا نمود که آقای کای آیده نماینده خاص این سازمان در امور افغانستان بتاريخ (۸) جنوری (۲۰۱۰ - م) با تعدادی از فرماندهان ارشد رهبری طالبان موسوم به «شورای کویته» بر اساس درخواست آنها در دویی دیدار و ملاقات داشته است.

پنجم: آخرین شباهت دعوت سران تنظیم طالبان به لندن و یا هم کدام شهر دیگری که از نظر نقش و ارزش (طرح پلان) معادل لندن خواهد بود و است. اولاً اینکه از امکان دور نیست چنین دعوتی صورت گرفته باشد. و اگر احياناً جواب منفی باشد، مشکل جدی وجود ندارد. زیرا در این برنامه تنها تنظیم طالبان مطرح است، نه تنظیمهای هفتگانه (پاکستان) و هشتگانه (ایران) با طرحها و سلیقه های سیاسی، قومی، مذهبی و... تحت امر (آی اس آی) بودن طالبان و ارتباطات تنگاتنگ انتلجنت سرویس و مخلوق ناخلفش (آی اس آی) تطبیق این امر را سهل میسازد.

— در آندوره (کی جی بی) تنها بود و گرباچف هم تصمیم گیرنده.

— در آندوره نه انتلجنت سرویس تنهاست، و نه هم براون یکانه تصمیم گیرنده.

— در آندوره یک کشور بیگانه در افغانستان حضور نظامی داشت.

— در آندوره چهل و سه کشور بیگانه حضور دارند.

— در آندوره داکتر نجیب الله به سران تنظیمها وابسته نبود. به ساینس و تکنالوجی باورداشت، و به ترقی و تعالی می اندیشید.

— اینجا کرزی نه تنها وابسته، بلکه طالب است و مانند برادران طالب اش به شعار «بنخه یا په کور، یا په گور» باورمند است. این امر تطبیق برنامه های فوق را سهل میسازد.

تحقق بر نامه طالبانی ساختن بار دیگر افغانستان، خطر ناکترین پلان دهه اول قرن (۲۱) خواهد بود.

از همه روشن اندیشان میهن دوست دعوت بعمل می آید تا با ارایه نظریات، دیدگاه ها و تحلیل هایشان مردم افغانستان و جامعه جهانی را از پیامدهای هولناک چنین معاملات! پشت پرده و سرا پا استخباراتی مطلع سازند، که خدای نا خواسته نشود با عملی کردن این معاملات افغان دشمن، بار دیگر، کشور جنگ - زده افغانستان به جهنم باشنده گانش مبدل گردد.

پایان